

بررسی اثربخشی نقاشی درمانی بر خلاقیت و رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله^۱

ماندانا رکنی^۲

علی زاده محمدی^۳

شکوه نوایی نژاد^۴

چکیده

زمینه: با توجه به اهمیت خلاقیت و رشد اجتماعی و از آنجا که یکی از زمینه‌های رشد این دو در دوران کودکی، نقاشی است می‌توان از آن برای پرورش خلاقیت و بهبود روابط کودکان بهره گرفت.

هدف: هدف اصلی در این پژوهش، بررسی تأثیر نقاشی درمانی بر خلاقیت و رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ سال است.

روش: روش مورد استفاده در این پژوهش، روش نیمه آزمایشی است و نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام گرفته است. در ابتدا از بین مراکز پیش دبستانی منطقه دو بهزیستی تهران، دو مرکز و سپس از این دو مرکز، تعداد ۳۰ کودک به صورت تصادفی در هر یک از گروه‌های آزمایش و گواه جایگزین شدند. سپس از کودکان هر دو گروه، آزمون‌های خلاقیت تورنس و رشد اجتماعی واینلند به عمل آمد. بعد از اجرای نقاشی درمانی به مدت ۱۲ جلسه بر روی گروه آزمایش، میزان خلاقیت و رشد اجتماعی هر دو گروه کنترل و آزمایش

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان است.

۲. کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

mandana.rokni@gmail.com

۳. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران dr.zadeh@gmail.com

۴. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران navabinejad@yahoo.com

مجدداً مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در سطح معناداری $P \leq 0/05$ نقاشی‌درمانی بر خلاقیت (در ابعاد ابتکار، سیالی و انعطاف پذیری) و رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ سال تأثیر معناداری دارد.

نتیجه‌گیری: نقاشی‌درمانی از جمله روش‌های جذاب و مؤثر در افزایش خلاقیت (در ابعاد ابتکار، سیالی و انعطاف پذیری) و رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ سال است.

کلید واژه‌ها: رشد اجتماعی، خلاقیت، نقاشی‌درمانی.

مقدمه

بدون شک یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی، که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد، دوران کودکی است. امروزه این حقیقت انکارناپذیر به اثبات رسیده است که کودکان در سنین پایین، فقط به توجه و مراقبت جسمانی نیاز ندارند؛ بلکه این توجه باید همه ابعاد وجودی آنها شامل رشد اجتماعی، عاطفی، شخصیتی و هوشی را نیز در بر گیرد. این ابعاد، عوامل تعیین‌کننده اساسی شخصیت یک انسان هستند که از دوران کودکی پایه‌گذاری می‌شوند و شکل می‌گیرند (حیدری، ۱۳۸۷). آموزش کودکان در سال‌های اولیه زندگی و فراهم کردن تجربه‌های عینی برای آنها، می‌تواند باعث رشد و تربیت آنها شود؛ زیرا در این دوران، انعطاف و نقش‌پذیری در کودک بسیار زیاد است و اگر بخواهیم هنجارها و قوانین را در آنها درونی کنیم باید از همین دوره، تعلیم و تربیت را شروع کنیم. پرورش کامل استعدادهای کودک، بویژه در شش سال اول زندگی او، نیاز به محیطی محرک و برانگیزنده دارد (کول، ۱۹۹۱، ترجمه مفیدی، ۱۳۸۰).

اهمیت دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت، لزوم توجه بیشتر به کودکان و انجام مطالعات و پژوهش‌های متعدد مربوط به آنان را آشکار می‌سازد. با توجه به اهمیت و حساسیت دوران کودکی، لازم به ذکر است که در این میان نقش و تأثیر فعالیت‌های هنری کودکان، بویژه در سال‌های پیش از دبستان، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا که کودکان از طریق کاربرد این فعالیت‌ها، حالات درونی و ابتکارات خود را بروز می‌دهند و از تجربیات و تخیلات خود الهام می‌گیرند. فعالیت‌های هنری در افزایش تجربیات کودکان مؤثر بوده و موجب تشویق و تحریک آنان به سوی کارهای نو و خلاق می‌شود و باعث می‌شود آنان نقش واقعی خود را در جهان یافته و شخصیت خود را نیز پرورش دهند (جعفری، ۱۳۸۵). طبیعی است که کودکان نمی‌توانند مشکلات خود را به زبان و کلام بیاورند اما در خلال فعالیت‌های هنری مانند نقاشی، سفال و قصه، خود را نشان می‌دهند. فعالیت‌های هنری توجه کودکان را هم به محصول و هم به فرآیند جلب می‌کند و بیان آنها را شکل می‌دهد؛ به طور کلی ذهن کودک را قوی و انتزاعی‌تر می‌کند و انعطاف‌پذیری روحیه آنان و اعتماد به نفسشان را بالا می‌برد. شناخت گرایان و رفتارگرایان فعالیت‌های هنری را وسیله سازگاری، انطباق، شناخت، اقتدار حسی و حل مسأله در دوران کودکی می‌دانند. روان‌کاوان نیز هنر را وسیله‌ای برای حل تعارض‌های غالب در طول مراحل رشد و راهی برای ایجاد مکانیزم دفاعی بهتر و ابزاری برای خودشکوفایی و خلاقیت این دوره می‌دانند (زاده محمدی، ۱۳۸۹). علاوه بر این بهره‌گیری از هنر برای کودکان، از معدود راه‌های غلبه بر مقاومت‌ها و شرکت کودکان در فرآیند درمان است و باعث می‌شود که محیط درمان برای ایشان بسیار مفرح و دوست‌داشتنی شود (اوستر و کرون^۱، ۲۰۰۴).

یکی از فعالیت‌های هنری که راه را برای پی بردن به نهان‌خانه روان آدمی می‌گشاید، نقاشی است. از دیدگاه ابن^۲، نقاشی کودک مبین تصویر خود اوست آن‌چنان که خود را

1. Oster & Crone
2. Oben

احساس می‌کند یا نشان دهنده چیزی است که می‌خواهد، بنابراین نقاشی کودک یک پیام است. این پیام آنچه را که او نمی‌تواند به لفظ درآورد انتقال می‌دهد و انعکاسی از دنیای هیجانی کودک است و به منزله جهانی است که به موازات افزایش هوشیاری و دگرگونی‌های کودک متحول می‌شود (جعفری، ۱۳۸۵).

نقاشی یکی از راه‌ها و وسایل پرورش کودکان است و قبل از هر وسیله دیگر می‌تواند به آموزش کودک کمک کند. رنگ و تصویر بیش از هر چیز دیگر ذهن کودک را متوجه خود می‌کند و در عین حال وسیله‌ای است که کودک پیش از هر چیز می‌تواند به خلق آن پردازد. اگر نقاشی عمیق‌ترین وسیله برای آموزش کودک نباشد می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین و اولین وسایل آموزش اوست و برای تربیت روانی و تکامل فکر کودک وسیله بسیار مؤثری است (داداش زاده، ۱۳۷۳).

کودک مسائل زندگی خود را به واسطه نقاشی به تجربه در می‌آورد، خود را می‌آزماید و «من» خویشتن را بنا می‌کند. خطوط ترسیمی، انعکاسی از دنیای هیجانی او هستند و نقاشی به تنهایی به منزله جهانی است که به موازات افزایش هوشیاری و دگرگونی‌های کودک، متحول می‌شود. نقاشی به منزله فرافکنی روانشناختی جهان کودکانه، در فراسوی لذتی که برای کودک ایجاد می‌کند، آشکار کننده تمامی شخصیت اوست. نقاشی کودک را خواه زبان رمزی بخوانیم خواه فریاد کشاننده خلاق، می‌شاید که قبل از هر چیز آن را یک پیام بنیادی تلقی کنیم که اگر بتوانیم این پیام را، که هر بار منحصر به فرد است، در لحظه انتشار از رمز درآوریم و درک کنیم خواهیم توانست روابط خود را با کودک غنی سازیم و راه را بر تحقق نیروهای بالقوه و حفظ تعادل عاطفی وی بگشاییم (دادستان، ۱۳۷۱). در نقاشی، کودک سعی در پدید آوردن شیئی تازه دارد و چنانچه این فعالیت کودک مورد توجه قرار گیرد و در مسیر واقعی خود توسعه یابد بدون شک می‌تواند روش مؤثری در پرورش خلاقیت کودک باشد (خداامراد، ۱۳۸۹). باید متذکر شد که نقاشی کودکان فقط یک وسیله پرورش خلاقیت و پختگی کودک و یا شاخص تکامل نیست و آن را باید به عنوان یک وسیله تحقیق و نشانه

حالات عاطفی کودک و همچنین وسیله مبادله با محیط اجتماعی و دنیای بزرگسالان که در اطراف کودک هستند در نظر گرفت (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۸۲).

نقاشی در شناخت قوه خلاقه، بیان افکار و خواسته‌ها و تمایلات کودک اهمیت فراوان دارد (مقدسی، ۱۳۷۲). کودکان به دلیل ناتوانی در بیان مسائل و ابراز نگرانی‌های درونی، با نقاشی به عنوان ابزاری فرافکن ارتباط نزدیکی برقرار می‌کنند و با رها شدن از ممنوعیت‌ها به وسیله نقاشی در حالتی ناخودآگاه درباره نیازها، رازها، احساس‌ها، آرزوها، شادی‌ها، غم‌ها و علایق خود صحبت می‌کنند. در واقع همان گونه که پیازه اشاره داشت بازی تفکر کودک است، نقاشی نیز زبان بازنمایی احساسات و افکار و روابط نهانی است. استفاده از نقاشی سبب تقویت توانایی‌های کودکان و تسهیل انتقال نظراتشان به جامعه و همکلاسی‌هایشان می‌شود. کودکان در نقاشی به کمک تجسم ذهنی خود، کشمکش‌ها، دلهره‌ها، ناملایمت‌ها، کمبودها، ترس‌ها، اضطراب و در نهایت آمل و آرزوهای خود را بیان کرده و راهی برای بروز، ارضاء و شاید در برخی موارد مقابله با آنها می‌یابد (نژادی، ۱۳۸۵).

نقاشی فعالیتی است که از تحول شناختی، عاطفی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. کودک در نقاشی با بیان مستقیم حالات عاطفی و شناختی خود، جلوه‌هایی از شخصیت خود را آشکار می‌سازد. در واقع کودک باید بتواند آنچه در دل دارد را آزادانه بیان کند و نقاشی دقیقاً وسیله این بیان آزاد است چرا که به کودک اجازه می‌دهد تا تمایلات ناهشیار و سرکوفته خود را فرافکنی کند و از این راه است که او می‌تواند واقعی‌ترین احساساتی را که نسبت به کسان خود دارد برای ما آشکار سازد (کرملو، وکیلان و خرم آبادی، ۱۳۸۵).

با توجه به این که نقاشی و طراحی به عنوان یک فعالیت خلاق از مهم‌ترین عوامل در بیان مقاصد، افکار، عقاید و نیازهای درونی انسان محسوب می‌شود، اشتغال به این قبیل فعالیت‌ها، اعم از آفرینش نقاشی و یا کاربرد و استفاده از آن می‌تواند علاوه بر پرورش حس زیبایی دوستی و ذوق هنری انسان، نقش مؤثری در رشد شخصیت، شناخت مشکلات و نابسامانی‌های

روانی وی داشته باشد (میرزاییگی، ۱۳۸۲). همچنین نقاشی می تواند وسیله تشخیص ناسازگاری و عامل بالقوه خلاقیتی باشد که وسیله درمان مؤثر هم بشود (فراری، ترجمه صرافان، ۱۳۸۲). آیرین نیز معتقد است می توان هنردرمانی را به عنوان وسیله ای برای خودابرازی، برقراری ارتباط و اجتماعی شدن به کار برد (لاندگارتن، ترجمه هاشمیان و ابوحمزه، ۱۳۷۸). نقاشی درمانی شاخه ای از هنردرمانی است که به دنبال ارائه فرصت هایی برای برون ریزی هیجان ها و احساسات است و همچنین زمینه را برای بروز قابلیت و خلاقیت کودکان فراهم کرده و دنیای ذهنی و کلامی آنان را با ایجاد ایده های جدید، توسعه می دهد. (دی لئو^۱، ترجمه فروزان، ۱۳۷۵).

از سوی دیگر تمام موفقیت ها و پیشرفت های انسان در گرو اندیشه بارور و پویا و مؤثر اوست. از پیچیده ترین و عالی ترین جلوه های اندیشه انسان، تفکر خلاق است. خلاقیت یکی از مفاهیمی است که انسان همواره با آن درگیر بوده است (حسینی، ۱۳۸۸). وقتی به تاریخ تمدن های بشری نگاه می کنیم می بینیم پیشرفت هر تمدنی فقط در گرو انسان های باهوش نیست و بیشترین پیشرفت در دست انسان های خلاق است که نه تنها در زندگی، بلکه در سرنوشت کل آدمیان سهم بوده اند (ثابت مقدم و بهرامیان، ۱۳۹۰) محققان بر این باورند که خلاقیت، سرنوشت جهان را رقم خواهد زد (بودن، ۱۹۹۶). برخی نیز معتقدند ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت برای هر جامعه به منزله مرگ و زندگی است. افزایش جمعیت، کاهش منابع غذایی در جهان، بیماری ها، بحران های اخلاقی و اجتماعی و ده ها مشکل اساسی دیگر از مشکلات بشری هستند که تفکر خلاق انسان، او را قادر می سازد تا بر آنها فائق آید (عابدی، ۱۳۸۳). در واقع پیشرفت بشر نیازمند خلاقیت بزرگسالان است و احتمال انجام فعالیت های خلاق در افرادی بیشتر است که در کودکی، تفکر خلاق در آنان پرورش یافته باشد (کریمی، ۱۳۸۶). بنابراین برای گذر از عصر اطلاعات و ورود به دنیای آینده می بایستی کودکان را

1. Di Leo

توانمند، خلاق و ارتباط‌گر تربیت کرد آن چنان که دارای انگیزش بالا بوده و از شوق زندگی کردن برخوردار باشند.

تورنس (۱۹۶۸) می‌گوید: ما برای بقا نیازمندیم که قدرت خلاقیت کودکان را توسعه داده و مورد استفاده قرار دهیم. چرا که خلاقیت بشر مهم‌ترین سلاح اوست که با آن می‌تواند استرس‌های ناشی از زندگی روزانه را از بین ببرد. اهمیت خلاقیت به عنوان هسته اصلی بهبود کارکرد و پیشرفت جامعه، مدرسه و فرد شناخته شده است. در دنیای پیچیده امروز، که شاهد رقابت‌های بسیار فشرده جوامع مختلف در دستیابی به تکنولوژی برتر هستیم، افراد تیزهوش و خلاق و صاحبان اندیشه نو و تفکر واگرا، از گرانبهاترین سرمایه‌های هر جامعه و ملتی محسوب می‌شوند و اینک جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند افراد خلاق و نوآور است (افروز، ۱۳۷۱). بالا بردن ظرفیت خلاقیت می‌تواند موجب غنای زندگی شود و به مشارکت در ساختن جامعه‌ای بهتر کمک کند. مهارت‌های تفکر خلاق عامل اساسی موفقیت در یادگیری و موفقیت در زندگی به شمار می‌روند و کودکانی که به این مهارت‌ها تشویق می‌شوند روز به روز انگیزه و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان می‌دهند (فیشر و ویلیامز، ترجمه چوبینه، ۱۳۸۸). خلاقیت نه تنها از بعد فردی برای همه افراد و حل مسائل‌شان در زندگی دارای اهمیت است، بلکه برای جوامع نیز امری حیاتی است. چنانکه اندیشمندان زیادی اذعان دارند کلید سعادت بشریت و حتی ادامه بقای جوامع، بخصوص برای کشورهای در حال توسعه، تنها در رشد و توسعه خلاقیت است (لند و جارمن، ترجمه قاسم زاده، ۱۳۷۹).

پژوهش‌های روانشناسی و تعلیم و تربیت بیانگر آن است که آغاز خلاقیت کودکان در سنین پیش از دبستان است. در این سنین ارتباط تازه‌ای میان تفکر و عمل کودکان پدیدار می‌شود و کودک برای شناخت عجایب و شگفتی‌های محیط پیرامونش تلاش بسیاری می‌کند. این فراگیری و شناخت بیشتر از طریق تجربه عملی صورت می‌پذیرد (جنکینسون، ۲۰۰۱).

در چند دهه اخیر پژوهش‌های بسیاری در زمینه خلاقیت انجام شده است که نشان می‌دهند خلاقیت را هم می‌توان آموزش و هم پرورش داد. تورنس می‌نویسد: طی پانزده سال تجربه در مطالعه و آموزش تفکر خلاق، شواهدی دیده‌ام که خلاقیت را می‌توان آموزش داد (ثابت قدم و بهرامیان، ۱۳۹۰). یکی از زمینه‌های رشد و پرورش خلاقیت در دوران کودکی، نقاشی است. استفاده از نقاشی به عنوان راهی برای بیان و درک احساسات، به احتمال می‌تواند از بروز بسیاری از اختلالات رفتاری جلوگیری کند. در این صورت شرایطی به وجود می‌آید که افراد در فضایی به دور از نگرانی به تفکر بپردازند و زمینه بروز افکار نو و پرورش خلاقیت فراهم می‌شود.

از سوی دیگر ضرورت دستیابی کودکان و نوجوانان به زنجیره‌ای از مهارت‌های اجتماعی در سنین مختلف رشد و تحول بر کسی پوشیده نیست. هرچند که والدین همچنان اولین خست‌های رشد و تحول اجتماعی کودکان را، چه از لحاظ انتقال خصیصه‌های سرشتی (مانند خلق و خو) و چه از نظر الگو قرار دادن رفتارهای خویش و شیوه‌های فرزندپروری بنا می‌کنند، با این حال حتی قبل از ورود کودک به جمع همسالان و محیط‌های خارج از خانواده، نقش رسانه‌هایی مانند تلویزیون و ماهواره به طور مستقیم و غیر مستقیم بر روند اجتماعی کردن کودک غیر قابل انکار است. در چنین شرایطی که کودک با الگوهای رفتاری متعدد و در عین حال متناقض در محیط‌های گوناگون روبرو است، می‌توان از هنر و بویژه نقاشی برای رشد و تحول اجتماعی او کمک گرفت. در صورت عدم وجود برنامه‌های آموزشی سازمان یافته، کودک در مقابل تاخت و تاز بی حد و حصر رسانه‌هایی مانند تلویزیون، ماهواره، اینترنت، بازی‌های کامپیوتری، رفتارهای همسالان و والدین در محیط‌های گوناگون از یک سو، و زمینه‌های سرشتی به ارث برده از والدین از سوی دیگر، مستأصل شده و نمی‌تواند رفتارهای اجتماعی درست را از نادرست تمیز دهد و جریان اجتماعی شدن را به خوبی طی کند.

با توجه به مطالب ذکر شده در باب اهمیت موضوع، انجام هرگونه پژوهشی در این موارد می‌تواند راه‌گشای تحقیقات مشابه در این زمینه باشد تا هرچه بیشتر اهمیت خلاقیت و رشد اجتماعی کودکان و راه‌ها و زمینه‌های رشد و پرورش آنها مشخص شود. از یافته‌های پژوهش حاضر نیز که تأثیر نقاشی را بر افزایش خلاقیت و رشد اجتماعی تأیید می‌کند می‌توان برای پرورش خلاقیت، رشد اجتماعی و توانمندی‌های هنری و نیز پیشگیری از مشکلات تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی استفاده کرد و جامعه را از بسیاری از خسارت‌های اقتصادی و عاطفی حفظ نمود. به احتمال، آموزش و استفاده از خلاقیت افراد در کودکی می‌تواند به آنان کمک کند تا در بزرگسالی راه‌های بیشتری برای رو به رو شدن با مشکلات داشته باشند بدین ترتیب می‌توان افراد را به سوی احساس توانمندی، کارآیی، توانایی حل مسأله و برخورداری از سلامت روان سوق داد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، یک پژوهش کاربردی از نوع آزمایشی (نیمه تجربی) با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است که در آن فقط گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل قرار می‌گیرد و گروه کنترل برنامه همیشگی خود را ادامه می‌دهد. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کودکان دختر و پسر ۴ تا ۶ ساله مهد کودک‌های منطقه ۲ بهزیستی تهران تشکیل می‌دهد.

انتخاب اعضای گروه نمونه به صورت تصادفی ساده انجام گرفت. بدین صورت که از بین مراکز پیش‌دبستانی منطقه دو بهزیستی تهران، دو مرکز و سپس از این مراکز، تعداد ۳۰ کودک (۱۶ دختر و ۱۴ پسر)، به صورت تصادفی در هریک از گروه‌های آزمایش و گواه جایگزین شدند (۸ دختر و ۷ پسر به عنوان گروه آزمایش و ۸ دختر و ۷ پسر به عنوان گروه گواه). آزمودنی‌ها از نظر سن و جنس در دو گروه آزمایش و کنترل هم‌تا شدند و سپس از کودکان هر دو گروه، آزمون خلاقیت تورنس به عمل آمد و تست رشد اجتماعی واینلند نیز

با کمک خانواده کودکان تکمیل شد. پس از اجرای پیش آزمون در هر دو گروه، گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه، هفته‌ای دو جلسه تحت نقاشی درمانی به صورت گروهی (یک گروه ۸ نفره و یک گروه ۷ نفره) قرار گرفتند. در خلال این مدت، گروه گواه، برنامه طبیعی روزانه خود را طی کردند. بعد از اجرای نقاشی درمانی، میزان خلاقیت و رشد اجتماعی هر دو گروه کنترل و آزمایش مجدداً مورد بررسی قرار گرفت.

روش اجرا: جلسات نقاشی درمانی به شرح زیر انجام شدند:

جلسه	برنامه جلسات مداخله‌ی نقاشی درمانی برای گروه آزمایش
اول	استفاده از تکنیک‌های گرم کردن، کشیدن نقاشی‌ای به شکل خط خطی و توصیف آن، نقاشی آزاد.
دوم	توضیح مفهوم آرزو برای اعضاء با مثال، نقاشی یک یا چند آرزو توسط هر عضو، صحبت راجع به نقاشی‌ها و آرزوها.
سوم	تکمیل نقاشی با استفاده از یک شکل خاص، کامل کردن چند تصویر نیمه کشیده شده.
چهارم	نقاشی انفرادی بر روی یک برگه بزرگ، نقاشی گروهی.
پنجم	نقاشی بر مبنای داستان یکی از اعضاء و تشویق کودکان برای ترسیم جزئیات بیشتر، صحبت اعضاء راجع به نقاشی‌شان پیرامون داستان مورد نظر.
ششم	کشیدن نقاشی با دست مخالف، انتخاب موضوع و نقاشی آن به صورت دو نفره.
هفتم	ترسیم اشکال مختلف و غیر تکراری با استفاده از یک دایره و ترغیب کودکان برای کشف ایده‌های جدید.
هشتم	نقاشی گروهی و بدون تعیین موضوعی خاص روی یک کاغذ بزرگ، تعویض مدادهای رنگی با یکدیگر در حین نقاشی.

ترسیم یک دم برای گربه کشیده شده پای تخته با چشم بسته، کشیدن شکل دلخواه با چشم بسته.	نهم
نقاشی یکی از اعضاء با موضوع دلخواه خود روی برگه‌ای بزرگ و ادامه آن به کمک بقیه اعضاء، نقاشی گروهی با موضوع خاص.	دهم
ساختن یک داستان تخیلی توسط هر یک از اعضاء و نقاشی آن، تعریف کردن داستان توسط یکی از اعضاء همزمان با نشان دادن نقاشی به دیگران، نقاشی دیگر اعضاء گروه بر اساس داستان گفته شده.	یازدهم
نقاشی اعضاء از چیزی که دوست دارند و هدیه آن به دیگر افراد گروه، دریافت بازخورد گروهی از جلسات.	دوازدهم

تمامی جلسات نقاشی درمانی به گونه ای طراحی شدند که علاوه بر اینکه چهارچوب و مسیر خاصی داشتند، برای کودکان تازگی و جذابیت خود را نیز حفظ کنند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از دو پرسشنامه خلاقیت تورنس (فرم الف تصویری)^۱ و پرسشنامه رشد اجتماعی واینلند^۲ استفاده شده است.

پرسشنامه خلاقیت تورنس: آزمون‌های تفکر خلاق تورنس به سه مجموعه آزمون کلامی، تصویری و شنیداری تقسیم می‌شوند. در این پژوهش از آزمون تصویری استفاده شده است. این آزمون، آزمودنی را برای بیان اندیشه‌ها و افکار تازه و جالب در قالب تصاویر ترغیب نموده و شامل سه فعالیت است که هر فعالیت ۱۰ دقیقه به طول می‌انجامد. پرسشنامه تفکر خلاق تورنس بر این فرض استوار است که توانایی آفرینندگی و خلاقیت، بر مبنای چهار عامل

1. Torrance Test of Creative Thinking (figural form A)
2. Vineland Social Maturity Scale

سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط قابل ارزیابی است. بر مبنای مجموعه آزمون تصویری، چهار نمره کل برای عامل‌های سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط محاسبه می‌شود. مطالعات مربوط به بررسی اعتبار آزمون خلاقیت تورنس، اعتبار بالای ۰/۹۰ را گزارش کرده‌اند. ضرایب اعتبار برای آزمون تصویری خلاقیت تورنس در پنج مطالعه انجام شده در دامنه بین ۰/۷۸ تا ۱ بوده است (تورنس، ۱۹۷۲).

در راهنمای فنی مجموعه آزمون، نتایج مطالعات متعدد در خصوص اعتبار نمره گذاران حاکی از آن است که همبستگی بین نمره گذاران مختلف از ۰/۸۰ یا ۰/۹۰ به بالا بوده است. مطالعات انجام شده در خصوص پایایی فرم‌های هم‌تا در فاصله زمانی کوتاه نیز نشان داد که ضرایب حاصل، معمولاً بین ۰/۷۰ و ۰/۹۰ متغیرند.

روایی سازه این آزمون با به کارگیری روش تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفته و مطالعات انجام شده، روایی سازه مطلوب را برای آن گزارش کرده‌اند. در خصوص روایی ملاکی پیش بین آزمون تورنس باید گفت که نمرات به دست آمده از دوره دبیرستان دانش آموزان با پیشرفت‌های خلاق آنها در ۱۲ سال بعد همبستگی داشت و بعد از بیست سال ضریب روایی پیش بین معادل ۶۳ درصد برآورد شده است. تورنس با فراهم نمودن شواهدی حاکی از روایی پیش بین این آزمون نشان داده است که این آزمون می‌تواند خلاقیت را در بزرگسالی پیش بینی کند. بنابراین آنچه که در کودکی اندازه گیری می‌شود پتانسیل تفکر خلاق است (تورنس، ۱۹۷۹).

مقیاس رشد اجتماعی واینلند: آزمون رشد اجتماعی واینلند در سال ۱۹۵۳ توسط دل^۱ تهیه و تدوین شده و در سال ۱۳۵۷ توسط محمد تقی براهنی، ولی اخوت و لقمان دانشمند، ترجمه و رواسازی شد. این مقیاس که یکی از مقیاس‌های تحولی استاندارد شده است و با میزان توانایی فرد در برآوردن نیازهای عملی خود و قبول مسئولیت سر و کار دارد دارای ۱۱۷

1. Doll

ماده است و تا ۱۲ سالگی برای هر سال، سؤال‌های مجزا دارد. در هر ماده اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه با اطرافیان آزمودنی و یا خود او به دست می‌آید. پایایی این پرسشنامه حدود ۰/۹۲ گزارش شده است. اعتبار آزمون به واسطه انجام دوباره آن بعد از حدود دو سال روی ۲۵۰ آزمودنی از افراد نمونه، نشان دهنده همبستگی بالا بین نتایج اولیه و نتایج حاصل از انجام دوباره آزمون است ($r = 0/98$). وقتی ۱۹۶ نفر از افراد این نمونه بعد از یک سال دوباره آزمون شدند همبستگی بین نتایج سومین آزمون با آزمون قبلی حدود ۰/۹۹-۰/۹۴ بود.

یافته‌های پژوهش

در این بخش جهت آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، از روش تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شده است. در ادامه، فرضیه‌های پژوهش بر مبنای یافته‌های به دست آمده، به تفکیک مورد بررسی قرار گرفته اند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی مربوط به خلاقیت و رشد اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	مراحل آزمون‌گیری	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف استاندارد
سیالی	آزمایش	پیش آزمون	۱۵	۴/۶۷	۳/۶۶	۹/۴۴
		پس آزمون	۱۵	۹/۳۳	۴/۵۹	۱/۱۸
	کنترل	پیش آزمون	۱۵	۶/۴	۵/۰۴	۱/۳۰
		پس آزمون	۱۵	۶/۶۷	۴/۶۸	۱/۲۱
بسط	آزمایش	پیش آزمون	۱۵	۲/۲	۲/۳۴	۰/۶۰
		پس آزمون	۱۵	۲/۷	۲/۰۵	۰/۵۳
	کنترل	پیش آزمون	۱۵	۱/۹	۳/۳۰	۰/۸۵
		پس آزمون	۱۵	۲/۱	۳/۲۷	۰/۸۴
ابتکار	آزمایش	پیش آزمون	۱۵	۵/۴	۳/۶	۰/۹۳

۱/۱۶	۴/۵	۱۰/۰۷	۱۵	پس آزمون	
۱/۲۴	۴/۸	۶/۳۳	۱۵	پیش آزمون	کنترل
۱/۳	۵/۰۵	۶/۶۰	۱۵	پس آزمون	
۰/۸۷	۳/۲۹	۴/۲	۱۵	پیش آزمون	آزمایش
۱/۱۶	۴/۴۸	۷/۰۷	۱۵	پس آزمون	انعطاف
۱/۰۲	۳/۹۵	۵/۰۷	۱۵	پیش آزمون	پذیری
۱/۰۳	۳/۹۸	۵/۵۳	۱۵	پس آزمون	کنترل
۶/۵۹	۲۵/۵۵	۱۳۵/۱۳	۱۵	پیش آزمون	آزمایش
۴/۵۶	۱۷/۶۶	۱۵۳/۰۷	۱۵	پس آزمون	رشد اجتماعی
۵/۹۹	۲۳/۲۳	3۱۳۴/۷	۱۵	پیش آزمون	کنترل
۵/۲۶	۲۰/۳۹	۱۳۴/۶	۱۵	پس آزمون	

فرضیه اول پژوهش: نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد سیالی کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای خلاقیت در بعد سیالی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	معناداری
عامل بین گروهی	۱۶۳/۳۳	۱	۱۶۳/۳۳	۹/۴۷	۰/۰۰۵
خطا	۴۸۲/۶۷	۲۸	۱۷/۲۴		

نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می دهد که در بعد سیالی ($p=۰/۰۰۵$ و $F=۹/۴۷$)، بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر نقاشی درمانی بر بعد سیالی خلاقیت در کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

فرضیه دوم پژوهش: نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد بسط کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای خلاقیت در بعد بسط در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	معناداری
عامل بین گروهی	۲/۱۳	۱	۲/۱۳	۰/۴۴	۰/۵۱
خطا	۱۳۵/۳۳	۲۸	۴/۸۳		

نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می دهد که در بعد بسط ($p=0/51$ و $F=0/44$)، بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد، به عبارت دیگر نقاشی درمانی بر بعد بسط خلاقیت در کودکان ۴ تا ۶ ساله اثری ندارد.

فرضیه سوم پژوهش: نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد ابتکار کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای خلاقیت در بعد ابتکار در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
عامل بین گروهی	۱۶۳/۳۳	۱	۱۶۳/۳۳	۹/۸۸	۰/۰۰۴
خطا	۴۶۲/۵۳	۲۸	۱۶/۵۲		

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می دهد که در بعد ابتکار ($p=0/004$ و $F=9/88$)، بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر نقاشی درمانی بر بعد ابتکار خلاقیت در کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

فرضیه چهارم پژوهش: نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد انعطاف پذیری کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای خلاقیت در بعد انعطاف پذیری در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
عامل بین گروهی	۶۱/۶۳	۱	۶۱/۶۳	۳/۹۸	۰/۰۴۷
خطا	۴۳۳/۳۳	۲۸	۱۵/۴۸		

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می دهد که در بعد انعطاف پذیری ($p=0/047$ و $F=3/98$)، بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر نقاشی درمانی بر بعد انعطاف پذیری خلاقیت در کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

فرضیه پنجم پژوهش: نقاشی درمانی بر رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره برای رشد اجتماعی در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
عامل بین گروهی	۲۴۱۲/۰۳۳	۱	۲۴۱۲/۰۳۳	۴/۹۹	۰/۰۳۴
خطا	۱۳۵۱۰/۶۸	۲۸	۴۸۲/۵۲		

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می دهد که در بعد رشد اجتماعی ($p=0/034$) و $F=4/99$ ، بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر نقاشی درمانی بر رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله اثر دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد سیالی تأثیر دارد و این فرضیه محقق تأیید می شود. در مقایسه تطبیقی با تحقیقات و یافته های دیگر پژوهشگران، نتایج این بخش از پژوهش با تحقیقات سیف (۱۳۷۴)، روشندل (۱۳۷۶)، اربابیان (۱۳۸۵)، سیادت (۱۳۹۰)، قهرمان زاده (۱۳۹۰)، براون و چارچ (۱۹۹۶)، مانهیم (۱۹۹۸) و کار و واندیور (۲۰۰۳)، همسو است. قهرمان زاده (۱۳۹۰) به بررسی اثربخشی نقاشی درمانی بر افزایش خلاقیت و کاهش خشم دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی پرداخت. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده ها، حاکی از تفاوت معنادار بین نمرات پیش آزمون و پس آزمون مقیاس خلاقیت در مؤلفه های سیالی، بسط و انعطاف پذیری در دو گروه گواه و آزمایشی بود ولی در نمره مؤلفه ابتکار خلاقیت، تفاوت معناداری مشاهده نشد. نتایج دیگر پژوهشگران نیز، نشانگر تأثیر معنادار هنر بر بعد سیالی خلاقیت افراد گروه آزمایش است.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد بسط مؤثر نیست و این فرضیه محقق رد می شود؛ چرا که بین گروه کنترل و گواه در نتایج پس آزمون تفاوت

معناداری وجود ندارد. در مقایسه تطبیقی با تحقیقات و یافته‌های دیگر پژوهشگران، نتایج این بخش از پژوهش با تحقیق اربابیان (۱۳۸۵) انطباق دارد.

اربابیان در سال ۱۳۸۵ پژوهشی به منظور بررسی تأثیر فعالیت‌های هنری در پرورش خلاقیت کودکان انجام داد. یافته‌های این پژوهش، وجود تفاوت معنادار بین نمره مؤلفه‌های سیالی و انعطاف پذیری پیش آزمون و پس آزمون خلاقیت را بیان می‌کند ولی در مؤلفه ابتکار و بسط آزمون خلاقیت تفاوت معناداری دیده نشد.

در یافته‌های دیگر از پژوهش به دست آمد که نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد ابتکار کودکان ۴ تا ۶ ساله مؤثر بوده است و این فرضیه محقق تأیید می‌شود. در مقایسه تطبیقی با تحقیقات و یافته‌های دیگر پژوهشگران، نتایج این بخش از پژوهش با تحقیقات سیف (۱۳۷۴)، روشندل (۱۳۷۶)، جمالی فیروزآبادی (۱۳۸۹)، سیادت (۱۳۹۰)، براون و چارچ (۱۹۹۶)، مانهیم (۱۹۹۸) و کار و واندیور (۲۰۰۳)، همسو است. سیادت (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد میانگین نمرات هر چهار عامل سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و بسط، در دانش‌آموزان گروه آزمایش، در پس آزمون بیشتر از نمرات آنها در پیش‌آزمون بود. نتایج دیگر پژوهشگران نیز، نشانگر تأثیر معنادار هنر بر بعد ابتکار خلاقیت افراد گروه آزمایش است. نتیجه دیگر این پژوهش نشان داد که نقاشی درمانی بر خلاقیت در بعد انعطاف‌پذیری کودکان ۴ تا ۶ ساله مؤثر است و این فرضیه محقق تأیید می‌شود. در مقایسه تطبیقی با تحقیقات و یافته‌های دیگر پژوهشگران، نتایج این بخش از پژوهش با تحقیقات سیف (۱۳۷۴)، روشندل (۱۳۷۶)، اربابیان (۱۳۸۵)، جمالی فیروزآبادی، سپهریان و جلالی (۱۳۸۹)، سیادت (۱۳۹۰)، قهرمان زاده (۱۳۹۰)، براون و چارچ (۱۹۹۶)، مانهیم (۱۹۹۸) و کار و واندیور (۲۰۰۳)، همسو است. نتایج حاصل از پژوهش جمالی فیروزآبادی، سپهریان و جلالی با عنوان تأثیر روش‌های آموزش نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان نشان می‌دهد آموزش نقاشی از طریق انتخاب موضوعی در بالا بردن ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط مؤثر است اما بر سیالی

بی تأثیر است. نتایج دیگر پژوهشگران نیز، نشانگر تأثیر معنادار هنر بر بعد انعطاف پذیری خلاقیت افراد گروه آزمایش است.

به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد انجام تمریناتی از قبیل کشیدن نقاشی آرزوها، نقاشی با اشکال ناقص، نقاشی با دست مخالف، ترسیم اشکال متنوع با استفاده از اشکال هندسی مانند دایره، نقاشی با چشم بسته، نقاشی بر اساس تخیلات و داستان های دیگران و ... می تواند باعث رشد و افزایش خلاقیت در کودکان شود.

همچنین نتیجه دیگری از پژوهش نشان داد که نقاشی درمانی بر رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله تأثیر دارد و این فرضیه محقق تأیید می شود. در مقایسه تطبیقی با تحقیقات و یافته های دیگر پژوهشگران، نتایج این بخش از پژوهش با تحقیقات نوری (۱۳۸۲)، محتشم (۱۳۸۴)، نژادی (۱۳۸۵)، زارع (۱۳۸۷)، کرمی و خدادادی (۱۳۹۱)، براون و چارچ (۱۹۹۶) و سینگر (۲۰۰۴) همسو است. نوری (۱۳۸۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر نقاشی درمانی در کاهش پرخاشگری دانش آموزان کم توان ذهنی پرداخت. بررسی یافته های غیر کمی در این پژوهش نشان می دهد که استفاده از جلسات نقاشی درمانی برای دانش آموزان ابتدایی عقب مانده ذهنی به سبب ایجاد زمینه های مناسب برای برون افکنی هیجان ها، احساسات و افکار، منجر به سازگاری اجتماعی و عاطفی آنان می شود.

می توان گفت از میان فعالیت های انجام شده در جلسات، کشیدن نقاشی به صورت نوبت به نوبت اما با شرکت همه اعضای گروه، نقاشی گروهی و با همکاری همدیگر، تعویض مداد رنگی ها با یکدیگر در حین نقاشی، هدیه دادن نقاشی ها به یکدیگر و ... می تواند در افزایش رشد اجتماعی کودکان تأثیر گذار باشد.

همان طور که ملاحظه شد نتایج پژوهش حاضر به طور کلی با سایر پژوهش های مشابه انجام شده همخوانی دارد که این امر بیانگر تأثیر هنر و نقاشی بر میزان خلاقیت و رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی است. در موارد محدودی که بین نتایج پژوهش و سایر پژوهش ها

اختلاف وجود دارد ممکن است این اختلاف ناشی از تفاوت در گروه نمونه و یا ابزار پژوهش باشد. عمده تحقیقات انجام شده در مورد تأثیر هنر و فعالیت‌های هنری از جمله نقاشی بر رشد ذهنی کودکان، بیانگر تأثیرات مثبت این فعالیت‌ها بر مهارت‌های ذهنی و روانی کودکان است و بر این اساس می‌توان ابراز داشت که نقاشی یکی از مهم‌ترین ابزارها جهت کمک به رشد مهارت‌های ذهنی از جمله خلاقیت و رشد اجتماعی است.

غنی کردن محیط آموزشی و به فعالیت واداشتن کودکان در محیط آموزش از جمله مواردی است که در نظریه‌های جدید آموزش و یادگیری بر آن تأکید بسیار شده است. می‌توان از نقاشی به عنوان ابزاری استفاده کرد که در محیط‌های پیش دبستانی و حتی دبستانی، کودکان را به تفکر خلاق و نیز مشارکت در فعالیت‌ها ترغیب کرده و با توجه به علاقه‌ای که معمولاً کودکان به نقاشی نشان می‌دهند از آن به عنوان راهی برای افزایش انگیزه جهت یادگیری، آموزش مهارت‌های ذهنی و روانی و آموزش مهارت‌های اجتماعی استفاده کرد. در واقع می‌توان از فعالیت‌هایی که برای کودک لذت بخش و انجام آنها برایش ساده است در جهت آموزش اموری استفاده کرد که برای رشد شخصیت و رشد ذهنی و موفقیت در زندگی آینده، ضروری و حیاتی هستند. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که چون نقاشی درمانی هم بر خلاقیت و هم بر رشد اجتماعی تأثیر دارد، والدین و مربیان کودک می‌توانند از طریق نقاشی و سایر فعالیت‌های هنری به رشد خلاقیت و رشد اجتماعی آنان کمک‌های قابل توجهی کنند.

پژوهش حاضر مانند هر پژوهش دیگر محدودیت‌هایی داشته است که بیان آنها می‌تواند یافته‌ها و پیشنهادها را صراحت بخشیده و برای پژوهش‌های بعدی، جهت مقابله با عوامل محدود کننده روایی درونی و بیرونی، کمک کننده باشد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که این پژوهش بر روی گروهی از کودکان مراکز پیش دبستانی منطقه ۲ تهران انجام شده است و در نتیجه قابلیت تعمیم یافته‌های آن محدود است. همچنین از آنجا که این پژوهش بر روی گروهی از کودکان ۴ تا ۶ سال انجام شده است

و تعمیم نتایج آن به محدوده‌های سنی دیگر محدود است. در نهایت عدم وجود آزمون پیگیری به دلیل محدودیت زمانی نیز می‌تواند یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر باشد. با توجه به یافته‌های مؤثر این پژوهش، پیشنهاد می‌شود به منظور آگاهی و شناخت والدین، جلسات توجیهی برای به کارگیری نقاشی، در جهت ارتقاء توانایی‌های خلاق و رشد اجتماعی کودکان برگزار شود. همچنین برای آموزش به مربیان مراکز پیش دبستانی در مورد چگونگی به کار گرفتن نقاشی و سایر فعالیت‌های هنری در جهت کمک به بهبود مهارت‌های مختلف روان‌شناختی کودکان، کارگاه‌های تخصصی برگزار شود.

Archive of SID

منابع

- اربابیان، اعظم (۱۳۸۵). تأثیر فعالیت های هنری در پرورش خلاقیت کودکان. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.*
- افروز، غلامعلی (۱۳۷۱). نقش اعتماد به نفس در خلاقیت نوجوانان و جوانان. *ماهنامه آموزشی و تربیتی پیوند، ش ۱۵۹.*
- ثابت مقدم، مرتضی و بهرامیان، پریسا (۱۳۹۰). پرورش خلاقیت. *اصفهان: فرهنگ مردم.*
- جعفری، سالار (۱۳۸۵). بررسی اهمیت نقاشی کودکان از دیدگاه روانشناختی (ذهنی و عاطفی). *مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری هنردرمانی در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.*
- جمالی فیروزآبادی، محمود، سپهریان حیدرزاده، منوچهر و جلالی کشاورز، مریم (۱۳۸۹). تأثیر روش های آموزش نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان. *نشریه تحقیقات روانشناختی، دوره ۲، شماره ۷.*
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۸). *ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن.* مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- حیدری، مهدی، (۱۳۸۷). تأثیر تعلیم و تربیت و مهارت های آموزشی در مهدکودک بر روی کودکان ۲ تا ۶ سال. *تهران: نشر ویرایش.*
- خدامراد، صدیقه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بازی بر خلاقیت و رشد اجتماعی کودکان ۴ تا ۶ ساله پیش دبستانی. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.*
- داداش زاده، کاوه (۱۳۷۳). نقاشی و نوشته های کودکان. *تهران: انتشارات گوتنبرگ.*
- دادستان، پریخ و منصور، محمود (۱۳۷۱). *نقاشی کودکان، کاربرد تست خانواده.* تهران: چاپ دریا.
- دی لئو، جوزف. *تفسیر نقاشی های کودکان.* ترجمه فروزان، فاطمه (۱۳۷۵). تهران: سازمان بهزیستی.
- روشندل، سیمین (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش نقاشی با روش اتین بر خلاقیت دانش آموزان دوره راهنمایی شهرستان شهرکرد. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.*
- زاده محمدی، علی (۱۳۸۹). *هنردرمانی (مقدمه ای بر هنردرمانی ویژه ی گروه ها).* تهران: نشر قطره.

زارع، مهدی (۱۳۸۷). اثربخشی هنردرمانی گروهی بر مشکلات رفتاری دختران ۱۸-۱۲ ساله بی سرپرست و بدسرپرست مراکز شبانه روزی بهزیستی شهرستان آباده. مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری هنردرمانی در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

سیادت، بهجت السادات (۱۳۹۰). بررسی تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت دانش آموزان دختر دوره ابتدایی شهرستان اسلامشهر سال تحصیلی ۸۹-۹۰. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

سیف، حسین (۱۳۷۴). بررسی تأثیر آموزش نقاشی به روش باز در پرورش خلاقیت کودکان ۱۰ ساله ذکور در مناطق ۸ و ۱۵ شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس. عابدی، محمدرضا (۱۳۸۳). خلاقیت. تهران: انتشارات جامی.

فراری، آنا اولیوریو. نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه: صرافان، عبدالرضا (۱۳۸۲). تهران: انتشارات دستان.

فیشر، رابرت و ویلیامز، مری. شکوفاسازی خلاقیت. ترجمه چوبینه، ناتالی (۱۳۸۸). تهران: پیک بهار. قهرمان زاده، رویا (۱۳۹۰). اثربخشی نقاشی درمانی بر افزایش خلاقیت و کاهش خشم دانش آموزان دختر پایه دوم راهنمایی شهر ماکو. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

کرملو، سمیرا، وکیلان، سارا و خرم آبادی، راضیه (۱۳۸۵). کاربرد تست ترسیم نقاشی به عنوان ابزار ارزیابی افسردگی و اضطراب در کودکان بی سرپرست. مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری هنردرمانی در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

کرمی، جهانگیر و خدادادی، کامران (۱۳۹۱). اثربخشی نقاشی درمانی در کاهش رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان دختر دچار نارساخوانی. نشریه ناتوانی های یادگیری، دوره ۱، شماره ۳.

کریمی، علی (۱۳۸۶). پرورش خلاقیت (راهنمای عملی برای معلمان، والدین و مدیران). تهران: انتشارات رسانه تخصصی.

کول، ونیتا. برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش دبستانی، ترجمه: مفیدی، فرخنده (۱۳۸۰). تهران: انتشارات سمت.

لاندگارتز، هلن. هنردرمانی بالینی. ترجمه هاشمیان، کیانوش و ابوحمز، الهام (۱۳۷۸). تهران: انتشارات مهاجر.

لند، جورج، و جارمن، بت. آینده خلاقیت و خلاقیت در آینده، ترجمه: قاسم زاده، حسن (۱۳۷۹). تهران: انتشارات ناهید.

محتشم، سعید (۱۳۸۴). پژوهش، تشخیص و درمان با نقاشی در کودکان. اولین همایش بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان.

مقدسی، حمیده (۱۳۷۲). روانشناسی هنر برای کودکان عادی و استثنایی. تهران: انتشارات چاپار فرزندگان.

میرزاییگی، علی (۱۳۸۲). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان. تهران: انتشارات مدرسه.

نژادی، فرحناز (۱۳۸۵). بررسی موردی هنردرمانی با رویکرد نقاشی درمانی بر کودک دچار تأخیر رشدی و دیرآموزی. مجموعه مقالات اولین کنگره سراسری هنردرمانی در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

نوری، فریده (۱۳۸۲). تأثیر نقاشی درمانی در کاهش پرخاشگری دانش آموزان کم توان ذهنی. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۲۶.

- Boden, M. A. (1996). *Dimensions of creativity*. A Bradford Book.
- Jenkinson, S. (2001). *The Genius of play: Celebrating the spirit of childhood*. Hawthorn House.
- Brown, V. and Church, R. (1996). Mandala Drawing: Facilitating Creative Growth in Children with A.D.D. or A.D.H.D. *Art Therapy: Journal of the American Association of Art Therapists*, 13: 252-60
- Carr, M. and Vandiver, T. (2003). Effects of instructional art projects on children's behavioural responses and creativity within an emergency shelter. *Art Therapy: Journal of the American Association of Art Therapists*, 20: 157-62.
- Manheim, R. (1998). *Alone with the Alone: Creative Imagination*. Published by Princeton University Press.
- Oster, G. and Crone, P. (2004). *Using drawing in assessment and therapy*. Brunner, Rutledge.
- Singer, J.L. (2004). *Fostering school achievement and creativity through sociodramatic play in the classroom*. Washington DC: Zero to Three Press.
- Torrance, E. P. (1968). "Torrance Tests of Creative Thinking". *Scholastic Testing Service, Inc.*
- Torrance, E. P. (1972), Predictive validity of the Torrance Tests of Creative Thinking. *The Journal of Creative Behavior*, 6: 236-262.
- Torrance, E. P., and Goff, K. (1979). "A quiet revolution". *The Journal of Creative Behavior*, 23: 136-145.